

روزنه

بهزادنبوی:

کدخدایی برای اصلاح طلبان فرش قرمز پهن کند

● عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان در نشست خبری اخیر خود در واکنش به صحبت‌های یکی از وزرای دولت اصلاحات درباره ردصلاحیت‌های شورای نگهبان گفته بود: «ملاک شورای نگهبان اجرای مَز قانون است و شورای نگهبان برای کسی فرش قرمز پهن نمی‌کند». صحبت‌های کدخدایی اما با واکنش‌های بعضی اصلاح‌طلبان مواجه شد. محمود میرلوحی از این سخن کدخدایی ابراز تعجب کرد و گفت: کدخدایی آب پاکی را روی دست اصلاح‌طلبان ریخت و گفت ما منتظر کسی نیستیم؛ این حرف خیلی غیرمنتظره بود.کدخدایی تلویحا پیامی خطاب به اصلاح‌طلبان در توییت‌ش منتشر کرد و نوشت: «تنها راهکار برای برگزاری انتخابات سالم و با مشارکت فراگیر، تبعیت از قانون است، نه فراگفتنی و باج‌گیری با اتهام زدن به نهادهای قانون اساسی».به گزارش «خبرآنلاین»، بهزاد نبوی، چهره شاخص اصلاح‌طلب و نماینده مجلس ششم که خود در انتخابات مجلس هفتم ردصلاحیت شده است، به اظهارات سخنگوی شورای نگهبان واکنش نشان داد. وزیر صنایع دولت دوران جنگ گفت: «آقای کدخدایی اشتباه می‌کند. این دوره باید فرش قرمز پهن کند، چون در این دوره انتخابات پرشور، برای حفظ امنیت ملی ضروری است». او درباره اظهارات اخیر رئیس دولت اصلاحات هم معتقد است سخنان خاتمی ناظر به مشارکت مشروط در انتخابات پیش‌رو نیست.نبوی درباره سخنان اخیر محمد خاتمی گفت: «در هیچ انتخاباتی نرفته‌ای آقای خاتمی بلکه اصلاح‌طلب‌ها هم انتخابات را تحریم نکرده‌اند؛ حتی در انتخابات مجلس هفتم، من از سخنان آقای خاتمی ایده مشارکت مشروط استنباط نمی‌کنم. من پیش‌تر گفته‌ام در هر شرایطی باید در انتخابات شرکت کنیم. منظورم شرایطی است که امکان حضور باشد. فی‌المثل اگر همه اصلاح‌طلبان را به زندان بزنند یا اگر همه گروه‌های اصلاح‌طلب منحل و غیرقانونی اعلام شوند، آن‌گاه دیگر امکان شرکت وجود ندارد».او ادامه داد: «در مجموع نظر آقای خاتمی را قبول دارم. ضمنا معتقدم شرط گذاشتن برای انتخابات به دو شکل است. یکی اینکه برای خودمان شرط می‌گذاریم.

مثلا بعضی از دوستان می‌گویند که لیستی را ارائه می‌دهیم، اگر آنها ردصلاحیت شدند، دیگر شرکت نمی‌کنیم. عده دیگری برای حاکمیت شرط می‌گذارند و فی‌المثل می‌گویند باید نظارت استصوابی نباشد. چون در این مورد معتقدم بعید است طرف مقابل به شرط‌های ما توجه کند». این فعال سیاسی درباره ردصلاحیت‌های احتمالی اظهار کرد: «ردصلاحیت در تمام ادوار از دور چهارم به بعد کم‌وبیش وجود داشته است. ما نباید مبنای کارمان صرفا ردصلاحیت باشد.نبوی درباره این سخن کدخدایی مبنی بر اینکه ما فرش قرمز برای اصلاح‌طلبان پهن نمی‌کنیم، گفت: «بله، طرف مقابل از خدا می‌خواهد که ما در انتخابات شرکت نکنیم؛ حالا بگوییم که ما به این شرط در انتخابات شرکت می‌کنیم که چنین یا چنان شود، قطعاً نمی‌پذیرد. البته به نظر من آقای کدخدایی اشتباه می‌کند، این دوره باید فرش قرمز پهن کنند، چون در این دوره انتخابات پرشور، برای حفظ امنیت ملی ضروری است. با این فشارهایی که از خارج وارد می‌شود، اگر انتخابات پرشور نداشته باشیم، فشار به نظام و مردم خیلی زیادتر می‌شود. در جایی از من پرسیدند که اگر ردصلاحیت اتفاق بیفتد، چه می‌شود؟ پاسخ این بود که ما به این موارد کاری ندارم و بعضی‌ها به این حرف‌ام ایراد گرفتند. مسئله من بالاتر از این حرف‌ها است. می‌گویم اگر در کشور انتخابات پرشور برگزار نشود، امنیت ملی به خطر می‌افتد. البته برای اینکه انتخابات پرشور برگزار شود، بخش مهمی از کار بر عهده حاکمیت است. حاکمیت باید شرایطی فراهم کند تا انتخابات پرشور داشته باشیم. آقای کدخدایی باید بفهمد که در این دوره برای حضور مردم در انتخابات لازم است فرش قرمز پهن کند. باید بداند که این یک تصمیم شخصی ایشان یا حتی شورای نگهبان نیست بلکه تصمیم حاکمیت برای حفظ نظام، کشور و امنیت ملی است».

رسول منتجب‌نیا؛ قصد تک‌روی نداریم

● ایسنا؛ رسول منتجب‌نیا در نشست خبری حزب جمهوری‌ت ایران اسلامی در پاسخ به پرسشی مبنی‌بر اینکه رویکرد تشکل متنوع وی در انتخابات مجلس، ورود مستقل به انتخابات است یا قائل به ائتلاف با سایر احزاب اصلاح‌طلب است، اظهار کرد: «ما قطعاً بنایمان بر تک‌روی نیست، اما ائتلاف شروطشروطی هم دارد و یکی از مهم‌ترین شروطش تعامل و پذیرش نظر همه طرف‌های ائتلاف است. ضمن اینکه تأکید می‌کنم ما باید یک آسیب‌شناسی کلی از جریان اصلاحات داشته باشیم».وی در پاسخ به پرسشی درباره سخنان اخیر سیدمحمد خاتمی مبنی‌بر اینکه اصلاح‌طلبان به هر قیمتی وارد انتخابات نمی‌شوند، اما نباید با صندوق‌های رأی قهر کرد، گفت: «هنرمودهای ایشان که شخصیت محبوب و ارزشمندی هستند و بخشی از مردم نگاهشان به ایشان و نیز کسانی است که در حصر هستند قطعاً مفید است، اما می‌ادوارم که نظام هم از این سرمایه استفاده کند و به آن توجه داشته باشد و امیدواریم که فضا برای ورود همه افراد و سلابق به انتخابات باز شود».



عباس علی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان در نشست خبری اخیر خود در واکنش به صحبت‌های یکی از وزرای دولت اصلاحات درباره ردصلاحیت‌های شورای نگهبان گفته بود: «ملاک شورای نگهبان اجرای مَز قانون است و شورای نگهبان برای کسی فرش قرمز پهن نمی‌کند».

ادامه از صفحه ۶

آن زمان واقعا حرکت فراکسیونی بسیار قوی بود، جلسات فراکسیون‌ها منظم تشکیل می‌شد و اگر قرار بود طرحی در مجلس بیاید، یک تصمیم‌جهت‌گیر پشت سرش بود. البته اگر بعضی‌هایشان را امروز نقد کنم می‌گویم کاش فلان طرح را فلان زسان نمی‌دادیم. تا حدی که آن زمان می‌شد بررسی کرد کارها حساب‌شده بود و این‌طور نبود که چهار نفر طرحی حساب‌نشده را ارائه دهند. حرکت فراکسیونی خیلی مهم است؛ مثلا افرادی را داشتیم مثل مرحوم آقای سعدایی، نماینده جهرم که به‌موقع می‌توانستند در پنج دقیقه نمایندگان فراکسیون را از یک تصمیم جمعی باخبر کنند و این از دید بعضی‌ها گناه کبیره بود.

حتی برخی از دوستان آقای کروبی (یا برخی که ادعای دوستی ایشان را داشتند) می‌گفتند شما فراکسیونی کار می‌کنید، ما هم می‌گفتیم خوب شما هم این کار را بکنید، مگر کار بدی است؟ لابی‌گری و تشکیلاتی‌فشارکردن در مجلس برای بعضی‌ها خیلی خطرپر بود اما ما این توان را داشتیم. آقای بهزاد نبوی در کار تشکیلاتی و منظم بسیار استادانه عمل می‌کرد. به همین دلیل واقعا هی مجلس استوار و مردمی تشکیل شده بود و واقعا نماینده‌ای که آنجا بود حس می‌کرد پشتش به مردم گرم است و دلیلی ندارد صدایش بلرزد. به همین دلیل وقتی اتفاقی از نوع توقیف و برخورد با دانشجویان رخ می‌داد، از جایی که نگران بودند مجلس بود، روزهایی که مجلس جلسه داشت در همه خودروها رادیوی مجلس روشن بود، یعنی تا این حد حوادث مجلس برای مردم مهم بود. یعنی تا این حد حوادث مجلس کلمه شجاع بودند و از گفتن حرف حق واهمه نداشتند. علیه قاضی مرتضوی حرف‌زدن الان کاری ندارد اما شما نطق آقای محسن آرمین در ارتباط با قاضی مرتضوی را زمانی که ایشان در نوک پیکان برخورد با نیروهای اصلاح‌طلب و متأسفانه برخورد‌های کندی که واقعا چنین تطفی جرئت زیادی می‌خواست. این نطق‌ها بسیار جسورانه، محکم و قوی بود. همچنین در مورد کار روی لوایح دولت واقعا سطح تخصص مجلس بسیار بالاثر بود. مجلس ششم به لحاظ کیفیت تخصص و افراد باسوادی که داشت به تمام معنا قوی بود. تقریبا در هر رشته تخصصی کشور اعم از آب، بودجه و انرژی، در مجلس متخصص داشتیم. سازمان برنامه و بودجه واقعا از کمیسیون برنامه مجلس حساب می‌برد. وزارت خارجه از کمیسیون سیاسی مجلس حساب می‌برد و می‌دانست اگر کمی نابجا عمل کند، حواس همه هست. بنابراین مجلس به تمام مسائل و مسائل مهم در کشور، در بعضی‌ها را به مرادشان رساند که اصلاح‌طلبان امروز خیلی ضعیف‌تر از آن زمان شده‌اند اما این به معنای قوی‌ترشدن بقیه نیست. محدودیت‌های مختلف برای حرکت اصلاح‌طلبان ایجاد شد. از طرف دیگر هم در خارج از کشور تیغ را تیز کردند و گفتند اینها را ما می‌زنیم و اصولگرایان را هم جامعه می‌زند. انکار تقسیم کار شده است (با خنده). نتیجه این شد که الان سطح سیاسی کشور نسبت به سال ۷۶ پایین‌تر است. سطح مطبوعات، سطح تحلیل اجتماعی هم پایین‌تر است در حالی که می‌شد کاری کرد که بالا برود. البته بر سر اصلاح‌طلبان زدن به نفع بقیه نشد بلکه برای آنها هم بد شد و پتانسیل سیاسی کشور متأسفانه پایین رفت. الان حتی اگر شورای نگهبان هم اجازه دهد کاندیداها بیایند بعید است به این سادگی بتوانیم کاندیدای قوی و قدر پیدا کنیم. باید دو دوره بگذرد تا مجلس به پتانسیلی برسد که در قد و قواره مجلس ششم باشد. البته الان برخی مسائل آن دوره مثل گروه فشار را نداریم و آنها هم تغییر کرده‌اند. به نظر من شاید دیگر به آن صورت، مجلسی که بخواهد مثل آن دوره خیلی پرتنش و پرتلاش باشد، نداشته باشیم.

آ **بر التهاپ به معنی منفی که نمی‌گوید.**

به معنی واقعیتی که بود. مثالی می‌زنم؛ وقتی آقای مرتضوی ۲۰۰، ۳۰۰ دانشجو را می‌گرفت، آنها می‌گفتند چیزی نگویید بگذارید ما کارمان را بکنیم. بدعت این کار را چه کسی گذاشت؟ یک روز آمدند و حسین لقمانیان نماینده همدان را به خاطر نطقی گرفتند و یک اتفاق یک هفته مجلس را به التهاپ درآورد. از صبح تذکر آیین‌نامه‌ای شروع می‌شد و هیئت رئیسه مجلس هم همراهی می‌کرد. آخر داستان این شد که آقای کروبی گفت من در دفترم می‌نشینم. همان حرکت باعث شد تا ظهر لقمانیان آزاد شود. بله مجلس پرتلهایی بود اما به نظر من مجلس زنده دیگری باید این‌طور باشد.

آ **اما الان مردم احساس می‌کنند مجلس دهم واقعا کاری برایشان انجام نداده است و شاید به این فکر می‌کنند که چرا باید دوباره رای بدهند.**

این بی‌انصافی است. به همان نسبت که پول می‌دهی آش می‌خوری. ما بین کسانی که کاندیدای اصلی بودند انتخاب نکردیم، بلکه بین کسانی که تأیید صلاحیت شدند انتخاب کردیم.

آ **اصلاح‌طلبان لیستی به مردم دادند و گفتند به این افراد رای بدهید.** اجازه دهید جدی‌تر بگویم، مگر شبیه همان لیست را برای انتخابات خبرگان ندادیم؟ مگر آن افراد کسانی نبودند که به هیچ قیمتی نمی‌شود گفت اصلاح‌طلب هستند. آقای خاتمی هم گفتند تکرار می‌کنم به هر دو لیست رای دهید و مردم عمل کردند. حالا ما که نمی‌توانیم خبرگان را بنیینم و فقط مجلس شورای اسلامی را بنیینم.

آ **اما در همین مجلس خبرگان که مرحوم هاشمی‌رفسنجانی را داشت، آقای جنتی به‌عنوان رئیس مجلس انتخاب شد.** بله، ولی آقای مصباح و یزدی در آن نیستند. پتانسیل تأثیرگذاری ما این‌قدر بوده و همین مهم است. چرا صبر کنیم صد سال بگذرد تا ببینیم چه کار مهمی کرده‌ایم؟ در انتخابات مجلس به آنچه می‌شد کرد عمل کردیم. اینکه آیا می‌شد لیست بهتری بستی را نمی‌دانیم، چون در بدستن لیست امید خیلی التهاپات و چانه‌زنی‌ها بوده و معلوم نیست بهترین انتخاب چیست، کم‌اینکه در انتخابات شورای شهر تهران هم کسی نمی‌تواند قسم بخورد کسانی که انتخاب شدند بهترین‌ها بودند، اما به‌رحال از مجموعه اصلاح‌طلب‌ها بودند. خیلی از اتفاقاتی که می‌توانست در غیر این صورت بیفتند، نیفتاد. خیلی از عناصر تند تلافی راست را نداشتیم.

آ **اما اکنون فراکسیون امید ریاست کمیسیون‌ها را به پایداری‌ها باخته است. ما حتی نایب‌رئیی آقای مطهری را هم از دست دادیم.** این حرف تند است، اما به نظرترم مساعد نیست. درصلاحیت‌ها چیست؟ کار مجلس کار بسیار هوشمندانه‌ای است. برخی از کسانی که به مجلس رفتند از لحاظ سیاسی واقعا صفرکیلومتر بودند و توان کار فراکسیونی در حد مجلس را نداشتند.

آ **شما هم در مجلس ششم صفرکیلومتر بودید، اما قوی کار کردید.** اما مشابه کارهای تشکیلاتی را قیلا انجام داده بودیم. برای بعضی کارها اگر هوش سیاسی لازم وجود داشته باشد، به‌سرعت چندوچون کار را ییاد می‌گیرید و این اتفاق واقعا آن زمان افتاد. به نظر من در مجلس بعدی هم چندان شرایط برای حضور چهره‌های قوی مساعد نیست. ولی ما بین مجلسی که شامل چهره‌های متوسط خودمان و طرف مقابل است با مجلسی که چهره‌های ضعیف ما با چهره‌های بسیار قوی طرف مقابل باشد کدام را ترجیح می‌دهید؟ اگر مجلس اعتدالی باشد بهتر است. این مجلس درمجموع با دولتی از سنخ دولت روحانی راه آمد، درحالی‌که واقعا می‌توانست مجلسی باشد که دولت را زمین‌گیر کند. مجلس



مهدی کروبی، نماینده سابق مجلس شورای نگهبان در نشست خبری اخیر خود در واکنش به صحبت‌های یکی از وزرای دولت اصلاحات درباره ردصلاحیت‌های شورای نگهبان گفته بود: «ملاک شورای نگهبان اجرای مَز قانون است و شورای نگهبان برای کسی فرش قرمز پهن نمی‌کند».

دهم شاید کارهایی را که ما دوست داشتیم انجام نداد، اما دولت روحانی را زمین‌گیر نکرد.

آ **شاید وقتی مردم به شعار «اصلاح‌طلب اصولگرا دیگه توموه ماچرا» می‌رسند به این معنی است که از هر دو اینها ناامید شده‌اند.**

این شعار که متعلق به مردم نبود؛ شعاری بود که عده‌ای گفتند و بی‌بی‌سی هم تکرار کرد.

آ **اما تنها شعاری که پادمان مانده همین است.**

چون بی‌بی‌سی به‌کرات تکرار کرد و با دشمنان گردو شکستند. اجازه دهید یک‌جور دیگر بگویم؛ من از کسانی که تند می‌روند می‌پرسم اگر یک کشتی بیاید و کل اصلاح‌طلب‌ها و اصولگرایان ایران را سوار کند و وسط اقیانوس هند بریزد، ایران آباد می‌شود؟ چه کسی قرار است آبادش کند؟ هیچ جامعه‌ای حق ندارد سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی‌اش را نابود کند. درست است شعار ضدفساد می‌دهیم، ولی نباید این شعار را جوری بدیم که هرکس عمارت و کارخانه‌ای دارد احساس خطر کند. این خیلی بد است. این تندروی‌های اوایل انقلاب را چرا تکرار کنیم؟ در سیاست هم واقعا اگر کسی غیر از این دو جریان بوده باید بمیرد؟ پس کشور را چه کسی اداره کند؟ اگر جریان جدیدی می‌آمد می‌شد به این دو جریان گفت که کنار بروند، اما حالا که این اتفاق نیفتاده است با دست خودمان تمام سرمایه سیاسی کشور را نابود کنیم؟ این کاری است که دشمنان ملت می‌خواهند انجام دهند. معنی حرف من این نیست که صبح تا شب به تندیس آقای عارف بپردازیم، اما اگر عارف را نفی کنیم چه کسی را داریم به‌جای او بگذاریم؟ اگر آقای جهانگیری می‌شد لیست بهتری بستی را نمی‌دانیم، چون در بدستن لیست امید خیلی التهاپات و چانه‌زنی‌ها بوده و معلوم نیست بهترین انتخاب چیست، کم‌اینکه در انتخابات شورای شهر تهران هم کسی نمی‌تواند قسم بخورد کسانی که انتخاب شدند بهترین‌ها بودند، اما به‌رحال از مجموعه اصلاح‌طلب‌ها بودند. خیلی از اتفاقاتی که می‌توانست در غیر این صورت بیفتند، نیفتاد. خیلی از عناصر تند تلافی راست را نداشتیم.

آ **اما در همین مجلس خبرگان که مرحوم هاشمی‌رفسنجانی را داشت، آقای جنتی به‌عنوان رئیس مجلس انتخاب شد.** بله، ولی آقای مصباح و یزدی در آن نیستند. پتانسیل تأثیرگذاری ما این‌قدر بوده و همین مهم است. چرا صبر کنیم صد سال بگذرد تا ببینیم چه کار مهمی کرده‌ایم؟ در انتخابات مجلس به آنچه می‌شد کرد عمل کردیم. اینکه آیا می‌شد لیست بهتری بستی را نمی‌دانیم، چون در بدستن لیست امید خیلی التهاپات و چانه‌زنی‌ها بوده و معلوم نیست بهترین انتخاب چیست، کم‌اینکه در انتخابات شورای شهر تهران هم کسی نمی‌تواند قسم بخورد کسانی که انتخاب شدند بهترین‌ها بودند، اما به‌رحال از مجموعه اصلاح‌طلب‌ها بودند. خیلی از اتفاقاتی که می‌توانست در غیر این صورت بیفتند، نیفتاد. خیلی از عناصر تند تلافی راست را نداشتیم.

آ **اما اکنون فراکسیون امید ریاست کمیسیون‌ها را به پایداری‌ها باخته است. ما حتی نایب‌رئیی آقای مطهری را هم از دست دادیم.** این حرف تند است، اما به نظرترم مساعد نیست. درصلاحیت‌ها چیست؟ کار مجلس کار بسیار هوشمندانه‌ای است. برخی از کسانی که به مجلس رفتند از لحاظ سیاسی واقعا صفرکیلومتر بودند و توان کار فراکسیونی در حد مجلس را نداشتند.

آ **شما هم در مجلس ششم صفرکیلومتر بودید، اما قوی کار کردید.** اما مشابه کارهای تشکیلاتی را قیلا انجام داده بودیم. برای بعضی کارها اگر هوش سیاسی لازم وجود داشته باشد، به‌سرعت چندوچون کار را ییاد می‌گیرید و این اتفاق واقعا آن زمان افتاد. به نظر من در مجلس بعدی هم چندان شرایط برای حضور چهره‌های قوی مساعد نیست. ولی ما بین مجلسی که شامل چهره‌های متوسط خودمان و طرف مقابل است با مجلسی که چهره‌های ضعیف ما با چهره‌های بسیار قوی طرف مقابل باشد کدام را ترجیح می‌دهید؟ اگر مجلس اعتدالی باشد بهتر است. این مجلس درمجموع با دولتی از سنخ دولت روحانی راه آمد، درحالی‌که واقعا می‌توانست مجلسی باشد که دولت را زمین‌گیر کند. مجلس

آ **طرفدار این نظریه هستند که اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری پشت آقای علی لاریجانی بایستند؟**

طرفدار این نظریه نیستم؛ اما طرفدار نظریه تصلب سیاسی هم نیستم؛ به این معنا که باید با کسانی تا ابد مخالف یا تا ابد دوست و متحد باشیم.

آ **در سال ۷۶ مخالفت زیادی با آقای ناطق‌نوری بود؛ اما الان ایشان را جزء اصلاح‌طلبان می‌دانیم. فکر می‌کنید آقای لاریجانی هم این پتانسیل را دارد؟**

لاریجانی قطعاً فرق دارد؛ اما به نظرم آقای لاریجانی جزء سرمایه‌های سیاسی کشور است.

آ **اما لزوماً به درد اصلاح‌طلبان می‌خورد؟**

شاید به دردشان نخورد؛ اما به این معنی نیست که ایشان را در صحنه سیاسی کشور نادیده بگیریم. می‌توانیم با خیلی از چهره‌ها ائتلاف کنیم؛ نه اینکه به آنها رای دهیم؛ مثلا اگر در برجام اصلاح‌طلبان با آقای لاریجانی ائتلاف نکرده بودند، برجامی به وجود نمی‌آمد؛ بنابراین می‌توان با آنها کار سیاسی کرد. البته بعضی افراد هرچه در خانه بمانند، بهتر است. بین چهره‌های اصولگرا هم برخی هرچه کمتر ظاهر شوند و حرف بزنند، بیشتر به جامعه لطف کرده‌اند؛ اما درباره همه نمی‌توان این را گفت. مثلا آقای پرویز فتحاح چهره موفق اجرایی بوده است. مگر نذر کرده‌ایم با همه اصولگرایان مخالفت کنیم؟ ایشان یک چهره اصولگرا بوده که کارش را به‌خوبی انجام داده و الان هم در بنیاد مستضعفان است. اگر نقدی به کارش وارد است، باید بگوییم و اگر کارش خوب بوده، هم باید گفته شود. آقای فتحاح به‌رحال خوب کار کرد.

آ **وارد بحث هسته‌ای و برجام شوییم. شما اتفاقات پیش‌آمده در این مدت را چقدر بهنگام ارزیابی می‌کنید؟**

در موضوع هسته‌ای، اگر تصمیم‌های فعلی ایران در به‌تعلیق درآوردن برخی توافقات برجامی با تصمیمات گذشته (قبل از برجام) را در نظر بگیریم، آنچه آن زمان به‌شدت دنبال می‌کردیم و شاید من ۱۰ سال از زندگی‌ام را در بحث هسته‌ای متمرکز شدم (در مجلس ششم و بعد از آن) این بود که نیروگاه هسته‌ای یک معبد هسته‌ای نیست. تصمیم برجام خیلی دور بود و می‌توانستیم خیلی زودتر به آن برسیم. ما سال‌های زیادی از دوره آقای اوباما را از دست دادیم. الان هم بحث بالابردن سطح غنی‌سازی مطرح می‌شود که من و امثال من مخالفی نیستم؛ اما اگر این‌که مخترمانه صحبت کند و به تعهداتی می‌کنیم، حالا فهمیده‌ایم بالابردن درجه غنی‌سازی برای ما یک حربه سیاسی است؛ یعنی استفاده کن و هرجا لازم شد، پیچ آن را شل کن و مانور بده. این با رویکرد آقای جلیلی و تیمش خیلی فرق دارد که فکر می‌کردند به هر قیمتی باید غنی‌سازی کنیم؛ چون چیزی دنیا و آخرت ما نیست. الان همان کار انجام می‌شود؛ اما با ابزار سیاسی دیگری. همان زمان هم اگر به‌عنوان ابزار سیاسی استفاده می‌شد، مشکلی نداشتیم. گاهی شما تعلیق غنی‌سازی می‌کنید. گاهی هم آن را به‌عنوان ابزار سیاسی در نظر می‌گیرید. من کاهش تعهدات را بهنگام می‌دانم. این پیچ را می‌توان کم یا زیاد کرد.

آ **به نظراتان اسکان دارد بالا و پایین‌کردن این پیچ ما را به جنگ نزدیک کند؟** باید کارشناسی کرد. به نظرم نفس مذاکره نه قبیح است و نه ممدوح. اگر مذاکره منافع ما را تأمین کند، خوب است؛ اما اگر باعث تهدید ملی شود، بد است. الان با آقای ترامپ یا این ویژگی‌هایش مذاکره‌کردن یعنی پذیرفتن تحقیر ملی و عوامل ایرانی اگر آنها صدها امتیاز هم به ما بدهند، نمی‌پذیرند. من نمی‌توانم در مقابل حسن تحقیری که ایجاد می‌شود، مذاکره‌کننده را ببخشم و به‌عنوان یک ایرانی می‌گویم تا این آدم این‌طور صحبت می‌کند، هرگز با او صحبت نکنید؛ مگر اینکه مخترمانه صحبت کند و به تعهداتی که امضا کرده‌اند، پایبند باشند. ما با شخص دشمنی نداریم؛ اما اینکه او ما را تحقیر کند، بدون اینکه هیچ پیشنهاد سیاسی خاصی داشته باشد و فقط بگوید شما در تحت فشار می‌گذارم تا مذاکره کنید، اصلا این میز مذاکره تعریف نشده است و یعنی بیایید ابراز تسلیم کنید. همین‌طور بحث غنی‌سازی یا تعلیق آن می‌تواند در جای خودش ابراز باشد و فی‌نفسه آن ممدوح است و نه قبیح. درباره رخ‌دادن یا ندادن جنگ هم باید نشان دهیم که ما اهل جنگ نیستیم. مقامات سیاسی و فشارهای رسانه‌ای باید به‌گونه‌ای باشد که نشان دهیم ملتی نیستیم که دنبال جنگ باشیم؛ درعین‌حال نشان دهیم از جنگ نیز نمی‌ترسیم. اگر سر سوزنی نشان دهیم جنگ نقطه ضعف ماست، قطعاً ما را تحت فشار قرار می‌دهند و امتیازات بسیار نابجا خواهند خواست. به نظر در دو، سه سال اخیر خیلی خوب مدیریت شده‌ایم و در صحنه سیاست خارجی مجموعه نظام خوب مدیریت کرده است و برده‌ایم. در سوریه همه آمدند باختند؛ اما ما بریدیم.

اینکه بعضی افراد تصور می‌کنند در سوریه برای‌ما مشکل ایجاد شد، باید سؤال کنیم از کشورهای منطقه چه کسی به سوریه نرفت؟ هر کسی می‌توانست، به‌نوعی رفت؛ اما همه‌شان بازنده بودند و ما درست بازی کردیم. به هر جهت مدیریت در صحنه سیاسی کشور از این نظر قابل افتخار است؛ اما از این به بعد هم مهم است و اوضاع خطیری است. کسانی که در حاکمیت هستند، اگر از تمام عقلا استفاده کنند، قطعاً بیشتر برنده هستند. نمی‌گویم از ما تبعیت کنند؛ ولی مطمئن باشند که در بین کسانی که آنها ممکن است بعضی آرای‌شان را نپذیرند، دلسوزی‌های وافری درباره سرنوشت کشور وجود دارد و ایده‌های خوبی بین جوانان و دیگر اقشار مردم می‌توان پیدا کرد.

رویداد

محمد کیانوش مطرح کرد

مشارکت مقدور در انتخابات

● محمد کیانوش‌راد، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، با اشاره به شرایط نامطلوب و محدودیت‌هایی که در فضای سیاسی به جریان اصلاحات تحمیل می‌شود، تأکید کرد که باید در انتخابات شرکت کنیم، حتی اگر قرار باشد به مشارکت مقدور تن دهیم. به گزارش «اعتمادآنلاین»، او درباره سخنان اخیر رئیس دولت اصلاحات ادامه داد: «اینکه شرکت در انتخابات باید اصل باشد و تحریم انتخابات هیچ فایده‌ای ندارد، نکته‌ای اصولی است که جریان اصلاحات به آن توجه دارد تا بتواند از این طریق تأثیرگذار باشد». او ادامه داد: «ببینید، اصلاح‌طلبان براساس وظیفه‌شان در انتخابات شرکت می‌کنند و از نظر آنها کنش سیاسی بدون انتخابات معنی ندارد. به‌هرحال انتخابات یکی از روش‌هایی است که مردم می‌توانند با آن در جریان امور کشور تأثیرگذار باشند. این نظام متعلق به مردم است و اگر کسی یا کسانی حق مشروع مردم را نادیده گرفتند، راه درست قهرکردن و کناره‌گیری نیست، بلکه ایستادن و گرفتن حقی است که ضایع شده است. البته در شرایط فعلی و با رفتارهایی که از شورای نگهبان سراغ داریم، اعلام مشارکت مشروط راه به جایی نخواهد برد».کیانوش در مقابل مشارکت مشروط، واژه مشارکت مقدور را مطرح کرد و گفت: «مشارکت مقدور مشارکتی است که با توجه به شرایط کشور می‌تواند پیش روی جریانات گوناگون اصلاح‌طلب قرار گیرد. اگر شرایط کشور در یک وضعیت کاملاً بسته بود، می‌توانستیم حتی شرکت‌نکردن در انتخابات را پیش روی خود در نظر بگیریم. اما به اعتقاد من هنوز هم می‌توان با همه محدودیت‌ها و در چارچوب مقدورات در اصلاح نظام سیاسی اثرگذار بود. در واقع کناره‌گیری از انتخابات یا به انفعال و سرخوردگی مردم یا به عصیان منجر خواهد شد. امروز تقریباً تمام کسانی که با نظام سیاسی فعلی مناسبتی ندارند و حتی مخالف نظام جمهوری اسلامی هستند، بابت خطرات چندپارگی و آشوب و تنش در جامعه‌ای نگران‌ا هستند. باید توجه داشت که حتی اگر «نه‌گفتن به انتخابات می‌توانست تعیین‌کننده باشد یا تأثیر قابل توجه و معناداری بر کنش سیاسی بگذارد، شاید گزینه قابل تأملی بود. اما در شرایطی که «نه‌گفتن تأثیر قابل ملاحظه و تعیین‌کننده و معناداری ندارد. جریانات گوناگون سیاسی باید به مشارکت مقدور در انتخابات بپنیدیشند». او افزود: «مشارکت مقدور در انتخابات به معنای تأیید همه اجزا و عملکرد یک نظام سیاسی نیست. جریان‌های سیاسی به مشارکت مقدور در انتخابات می‌توانند متعهدانه، پرسشگرانه و ادعاگرانه در صحنه سیاسی حضور پیدا کنند».او درباره شرکت مردم در انتخابات اظهار کرد: «در برخی شهرهای بزرگ به دلایل گوناگون ممکن است تحت تأثیر ناراحتی‌ها، میزان مشارکت در انتخابات پایین باشد. اما در بسیاری از نقاط کشور به دلیل ماهیت انتخابات مجلس که با اندازه‌های قومی و قبیله‌ای همراه است، اصولا مردم حضور قابل قبولی دارند. با فرض اینکه حاکمیت از آن مردم است و اگر کسانی برخی از حقوق مردم را سلب کرده‌اند باید برای به‌دست‌آوردن آن حقوق به‌صورت فعال و تأثیرگذار تلاش کنیم، گروه‌های سیاسی و احزاب سیاسی موظف‌اند مقتدرانه در انتخابات مشارکت داشته باشند».

وزیر دادگستری: روزنامه‌ها منتفی می‌شود

● ایسنا؛ علیرضا آوایی در جلسه علنی عصر دیروز مجلس در پاسخ به سؤال کامران مبینی بر علت عدم اجرای ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی و انحصار آگهی‌ها در روزنامه حمایت و بی‌کاری دو هزار نفر گفت: «سؤال مطرح‌شده با استناد به ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری و نه مدنی است. طبق این ماده استفاده از سامانه‌های یارانه‌ای و مخابراتی برای طرح شکایت، ارجاع پرونده، احضار متهم و ابلاغ اوراق قضائی با رعایت مقررات دادرسی الکترونیکی بلامانع است و قوه قضائیه موظف شده برای طرح شکایت، دعوا، ارجاع پرونده و احضار متهم سامانه بارانه‌ای ایجاد کند. بر همین اساس قوه قضائیه به سرعت به سمت الکترونیکی‌کردن خدمات در حال حرکت است».وی با بیان اینکه تمامی کارها در سیستم به صورت الکترونیکی انجام می‌شود، گفت: «اینکه بیان شده قوه قضائیه همه آگهی‌ها را به روزنامه حمایت می‌دهد، درست نیست، اما آگهی‌ها را به روزنامه رسالت، کیهان و سایر روزنامه‌ها هم داده‌ایم. کم‌اینکه وزارت ارشاد هم پیگیری‌های لازم را برای تقسیم عادلانه آگهی‌ها انجام می‌دهد. به گفته آوایی شورای حل اختلاف و سازمان ثبت اسناد دارای آگهی‌های قابل انتشار هستند. مراجع قضائی آگهی مکتوب برای انتشار ندارند. با این حال با قوه قضائیه مذاکره شده که برای باقی‌مانده آگهی‌ها تدابیری اندیشیده شود تا سهم روزنامه حمایت بیشتر از سایر روزنامه‌ها در انتشار آگهی نباشد که شائبه بی‌عدالتی ایجاد کند. وی در پایان مجدداً گفت که تا پایان سال دادن آگهی به روزنامه‌ها منتفی می‌شود».